

تقارن، تعادل، توازن و... از جمله کیفیت‌های بصری هستند که نقش عمده‌ای در سازمان دادن و نظم بخشیدن به عناصر بصری دارند و به واسطه‌ی وجود آنهاست که یک اثر هنری از وحدت و یکپارچگی برخوردار شده و فهم آن برای مخاطبان آسان می‌گردد.

۱-۱-۱ تقارن

توزیع برابر فرم‌ها و فضاها نسبت به محورهای عمودی، افقی و یا همه محورهای موجود در یک اثر را تقارن می‌نامند.
انواع تقارن عبارتند از:

۱-۱-۱-۱ تقارن یک جانبه

در اثر، فقط نسبت به یک محور، تقارن وجود داشته باشد.



نشانه‌ی مجتمع همایش‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران
طراح: علی خورشیدپور

۱-۱-۱-۲ تقارن دو جانبه

در اثر، نسبت به دو محور، تقارن وجود داشته باشد.



نشانه‌ی انجمن نقاشان ایران
طراح: مرتضی صمیر

۱-۱-۱-۳ تقارن شعاعی

در نشانه‌ی مقابل، نسبت به همه‌ی محورهایی که هنرمند در اثر خود در نظر گرفته است تقارن وجود دارد. این نوع تقارن را تقارن شعاعی می‌نامند.



طراح: علی دوراندیش

در توانایی ترکیب‌بندی (کمپوزیسیون) نمونه‌هایی از آثار که دارای ترکیب‌بندی قرینه و غیرقرینه هستند را معرفی خواهیم کرد.

۱-۲ تعادل

هماهنگی میان عناصر و اجزای یک اثر در آن تعادل ایجاد کرده و نبود هماهنگی میان آن‌ها منجر به بی‌ثباتی و نبود توازن و تعادل بصری می‌گردد. زیرا نبودن هماهنگی میان اجزای یک ترکیب، سبب می‌شود که انرژی بصری عناصر یک‌دیگر را خنثی نمایند.

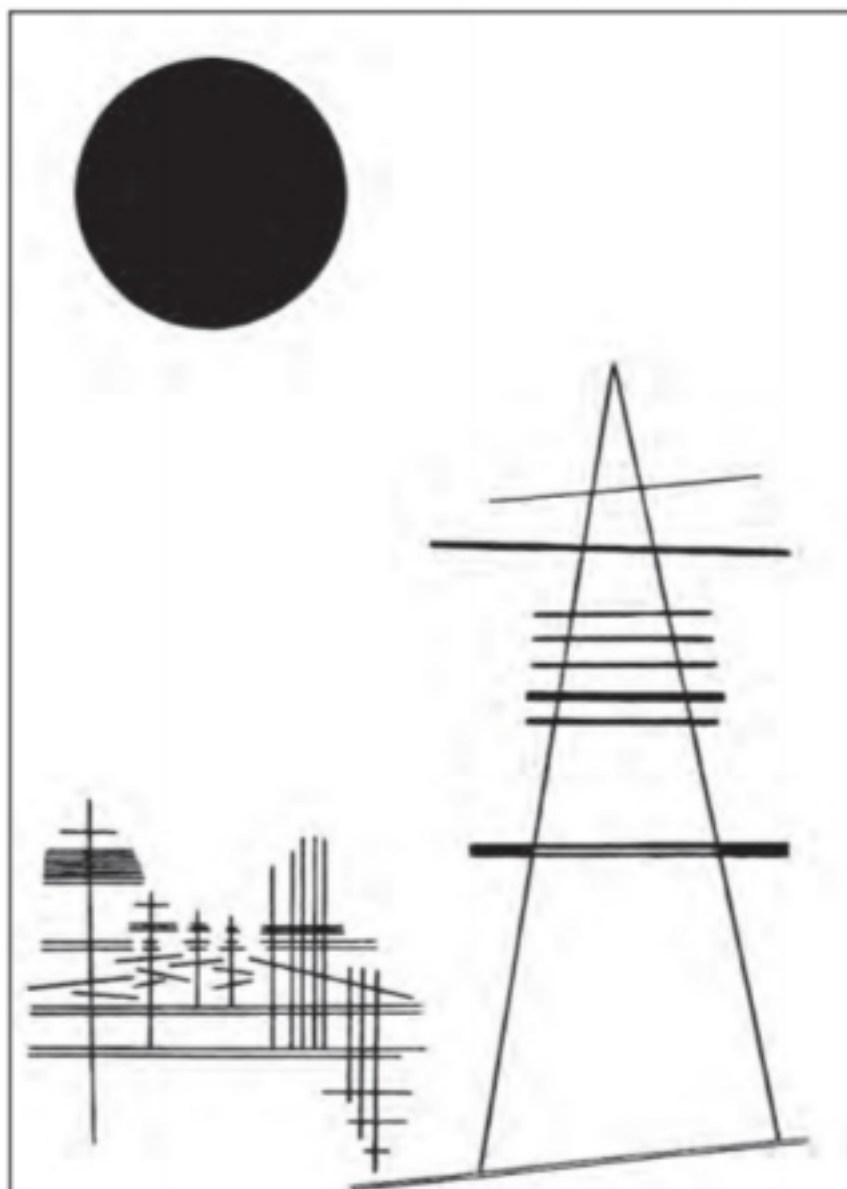
اندازه، تیرگی، روشنی، رنگ و موقعیت عناصر بصری در یک کادر نقش مهمی در ایجاد تعادل دارند. به عنوان مثال فرم‌های بزرگ‌تر، قوی‌تر از فرم‌های کوچک‌تر هستند و یا تضادهای رنگی شدید، از تضادهای رنگی ضعیف، قوی‌تر هستند.

۱-۲-۱ ایجاد تعادل

زمانی یک طرح را نامتعادل می‌دانیم که برخی از عناصر موجود در آن به طریقی نیاز به تغییر دارد. (تغییر اندازه، موقعیت، شکل و...)

برای دستیابی به تعادل در یک کادر باید بدانیم چه عواملی نیروی یک فرم را افزایش می‌دهند. برخی از این عوامل عبارتند از:

- اندازه: فرم‌های بزرگ قوی‌تر از فرم‌های کوچک هستند.
- شکل: فرم‌های منظم و بسته قوی‌تر از فرم‌های نامنظم و باز هستند.
- تراکم: فرم‌های تو پر قوی‌تر از فرم‌های خالی هستند.
- فاصله: فرم‌های مجزا قوی‌تر از فرم‌های به هم چسبیده هستند.
- موقعیت: فرم‌های دور از مرکز قوی‌تر از فرم‌هایی هستند که در مرکز قرار دارند.
- ترتیب: حرکتی که در قسمت جلوی کادر اتفاق می‌افتد قوی‌تر از حرکتی است که دورتر اتفاق می‌افتد. علاوه بر موارد فوق خطوط عمودی قوی‌تر از خطوط افقی بوده و معمولاً بلندتر از آنچه هستند به نظر می‌رسند. سمت چپ کادر قوی‌تر از راست است و به نظر می‌رسد که دارای وزن بیشتری است. در اثر زیر، هنرمند با آگاهی از عوامل فوق و با قرار دادن خطوط عمودی قوی در کنار خطوط افقی متعدد و دور کردن آن‌ها از مرکز کادر سنگینی نقطه‌ی سیاه را جبران کرده و تعادل را در کادر برقرار کرده است.





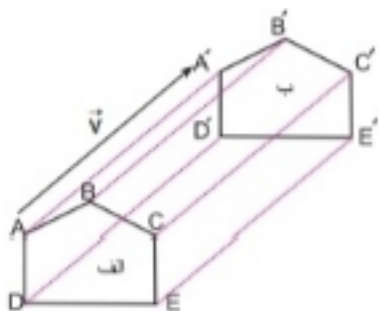
شکل ۲-۲۳- قرینه انتقالی
سفال سوس - نهارند - ۲۰۰۰ م.پ

بنابراین برای تکرار و گسترش متقارن، یک شکل هندسی برطبق قاعده خاصی به جای دیگر تغییر مکان می‌دهد. این تغییر مکان به روش‌های انتقالی، محوری، دورانی و گاه از دوروش همزمان می‌توان استفاده کرد مانند: انتقال و دوران - انتقال و محوری - دوران و محوری

الف) قرینه انتقالی: این شیوه از قرینه‌سازی یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های گسترش نقش می‌باشد که نمونه‌های آن را می‌توان در آثار تاریخی شاهد بود. (شکل‌های ۲-۲۳ و ۲-۲۴)



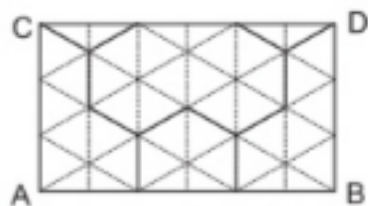
شکل ۲-۲۴- قرینه انتقالی - دوره هخامنشی - تخت جمشید



شکل ۲-۲۵- قرینه انتقالی

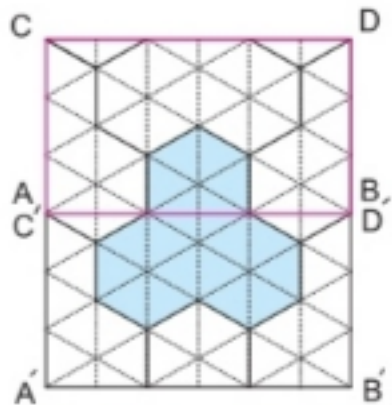
در این شیوه اندازه و جهت نقش تغییر نمی‌یابد و تنها مکان آن در جهت‌های مختلف تغییر یافته و تکرار می‌شود. در هندسه برای این منظور علامت بردار که به صورت پاره‌خطی جهت‌دار و دارای امتداد و اندازه معین است به کار می‌رود.

به عنوان مثال؛ نقش زیر براساس \vec{V} انتقال یافته (شکل ۲-۲۵)

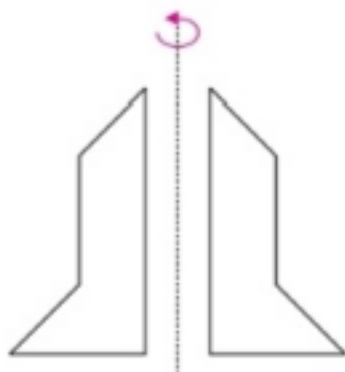


شکل ۲-۴۶- نقش حصیری

اگر از هر نقطه شکل الف بردار \vec{AA}' را همانند \vec{V} رسم کنیم از مجموع نقاط حاصل شکلی همانند ب به دست می‌آید. در این صورت می‌گوییم شکل ب از انتقال شکل الف به اندازه \vec{V} که بردار انتقال خوانده می‌شود حاصل شده است. چنانچه می‌بینیم در این شیوه گسترش، نقش تغییر نمی‌کند. (شکل‌های ۲-۴۶ و ۲-۴۷)

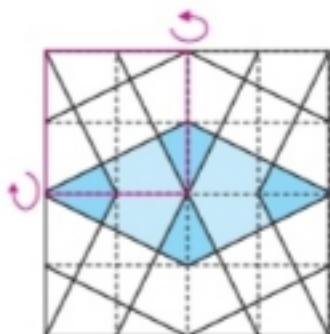


شکل ۲-۴۷- گسترش نقش حصیری قرینه انتقالی

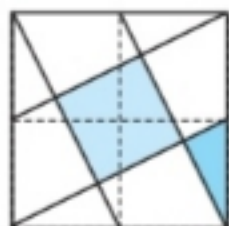


شکل ۲-۴۸- قرینه محوری (انعکاسی)

ب) قرینه محوری یا انعکاسی: قرینه محوری نسبت به قرینه انتقالی پیچیدگی بیشتری دارد هنرمندان سنتی آن را قرینه لولایی نیز می‌خوانند. در این نوع از تغییر مکان، دو نقش باهم برابر هستند اما قابل انطباق نیستند (شکل ۲-۴۸) و به صورت معکوس حول یک محور تکرار می‌شود. همانند تصویر یک نقش در آینه (شکل‌های ۲-۴۹ و ۲-۵۰)



شکل ۲-۵۰- گسترش لوزی ترنج‌دار حانبیه قرینه محوری (انعکاسی)



شکل ۲-۴۹- لوزی ترنج‌دار حانبیه



تقارن در معماری



تقارن در معماری



تقارن در معماری



خانه عباسیان کاشان شاهکار معماری

تعالُد Balance

از واژه تعادل چه می‌فهمیم؟ تعادل چه کاربردی دارد؟ وقتی واژه تعادل را می‌شنوید چه چیزی به ذهن شما می‌رسد؟ تعادل، یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین قوانینی است که تداوم حیات موجودات زنده، توسعه اجتماعی، رشد فردی و کار هنری هم‌زمان به آن نیاز دارند.

اصولاً تعادل به طور فطری در زندگی و در طبیعت و در حیات و قوای فکری و در ساختمان اندام انسان و سایر موجودات وجود دارد. در طبیعت، همه چیز به شکل متعادلی جریان دارد. در آمدن شب و روز از پی یکدیگر، تغییرات فصل‌ها و ... چنانچه یک رویداد غیر منتظره یا زلزله این تعادل را بر هم بزند همه چیز درهم می‌شود و انسان در این وضعیت، احساس سردرگمی و پریشانی خواهد کرد. همان‌گونه که برای حرکت یا ایستادن انسان، تعادل فیزیکی لازم است و اگر تعادل او به هم بخورد مشکلاتی برای وی به وجود می‌آید. بنابراین تعادل حاصل از خنثی شدن نیروهای بصری اثرگذار در یک اثر هنری است که احساس ثبات و توازنی خوشایند را ایجاد می‌کند.

در هنر نیز تعادل اجزای اثر، نقش عمده‌ای دارد. در یک اثر تجسمی، وجود تعادل بصری برای ایجاد تأثیر مثبت بر مخاطبان ضروری و لازم است. در صورت عدم تعادل میان نیروهای بصری مختلف پیام اثر خدشه‌دار می‌شود. به طور طبیعی انسان هنگام مشاهده چیزها آن‌ها را با محورهای افقی و عمودی دید در ذهن خود مقایسه می‌کند و وجود یا عدم تعادل را در آن‌ها تشخیص می‌دهد

۲-۱۰ انواع تعادل

۱-۴-۱۰ تعادل متقارن

در تعادل متقارن، همه‌ی عناصر نسبت به محورهای عمودی، افقی و مورب کادر سنجیده می‌شوند. این نوع تعادل ایستا و نشان دهنده‌ی فضای بی‌تحرك و آرام است.



تعادل متقارن در نگاره شاهنامه بایسنجری



تعادل متقارن در اثر آقای مصطفی اسداللهی

۲-۴-۱۰ تعادل غیرمتقارن

این نوع تعادل برخلاف تعادل قرینه، فعال، پرتحرک و پویا است. عناصر موجود در اثری که دارای این نوع تعادل است از نظر شکل، رنگ، اندازه و... با هم متفاوت هستند و ایجاد هماهنگی بین این عناصر در بخش‌های مختلف کادر، وزن و سنگینی برابری را در آن به وجود خواهد آورد. این نوع تعادل به دلیل دارا بودن تحرک، تنوع و جذابیت بصری در هنر امروز کاربرد بیشتری دارد.



ایجاد تعادل غیرمتقارن به وسیله اندازه‌ی عناصر،
تبرگی - روشنی و رنگ آن‌ها





تقارن و تعادل در معماری